



جلسه ۱۲۵ (د) ۸۹/۶/۲۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(مسئله ۶): لا يجوز للصائم أن يذهب إلى المكان الذي يعلم اضطرابه فيه إلى الإفطار بإكراه أو إيجار في حلقه أو نحو ذلك ، و يبطل صومه لو ذهب و صار مضطراً و لو كان بنحو الإيجار بل لا يبعد بطلانه بمجرد القصد إلى ذلك فإنه كالقصد للإفطار .

جایز نیست (حرمت تکلیفی) برای شخص صائم که به مکانی برود که می داند اگر به آنجا برود با إکراه و یا با ایجار و نحوه‌ها روزه اش باطل می شود بنابراین اگر رفت و روزه اش باطل شد هم قضا و هم کفاره به گردنش ثابت می باشد . عرض کردیم که اکراه یعنی اینکه انسان را تهدید به ضرر مالی و یا جانی کنند مثلاً بگویند اگر فلان کار را انجام ندهی تورا می کشیم و یا ضرری به تو وارد می کنیم اما بعد از تهدید و اکراه انسان به اختیار خودش و برای احتراز از ضرر آن کار را انجام می دهد و اما ایجار آن است که مثلاً انسان می داند که اگر به فلان مکان برود او را می خوابانند و آب به حلقش می ریزند یعنی در این صورت هیچگونه اراده و اختیاری وجود ندارد ، صاحب عروۃ اکراه و ایجار را با هم ذکر می کنند و می گویند که حکم هر دوی آنها یکی است .

خوب چند مطلب در اینجا قابل ذکر است ؛ اول اینکه اکراه با ایجار فرق دارد زیرا درست است که در اکراه او را تهدید به ضرر مالی و جانی کرده اند ولی شخص مکروه با اختیار خودش به آنجا رفته و بعد از اکراه نیز با اختیار و عمد روزه اش را خورده است فلذا اصلاً نباید به آنجا می رفته و حالا که و روزه اش هم باطل شده هم قضا و هم کفاره به گردنش ثابت است بنابراین در این قسم اول (اکراه) کلام صاحب عروۃ صحیح است ، و اما در ایجار فرض بر این است که می داند که اگر به آنجا برود او را بی اختیار و عمد خواهند خوابانید و آب به گلویش خواهند ریخت خوب معلوم است که در این صورت چونکه هیچگونه عمد و اختیاری ندارد لذا روزه اش باطل نیست بنابراین معلوم شد که اکراه و ایجار با هم فرق دارند و همین تفاوت باعث شده که در مسئله ایجار بین شراح و محشین عروۃ اختلاف نظر بوجود آید .

مطلب دومی که باید عرض کنیم این است که از میان شراح عروۃ آقای خوئی در مستندالعروۃ وحاج شیخ محمد تقی آملی در مصباح الفقیه تبعاً للعروۃ فرموده اند که در ایجار هم حرام است (تکلیفاً) که به آن مکان برود و اگر رفت روزه اش باطل می شود و قضا و کفاره هم به گردنش ثابت است زیرا طعام و شراب مبطل روزه هستند و در ایجار هم طعام و شراب به او خورانده شده است ، و اما آقای حکیم در مستمسک و سید عبدالاعلی سبزواری در مهذب الأحکام فرموده اند در ایجار صومش باطل نیست زیرا این شخص به اختیار خودش مرتکب اکل و شرب نشده در حالی که اکل و شرب آن است که انسان به اختیار خودش و عمداً اکل و شرب انجام دهد و بعد ایشان می فرمایند که این مثل همان است که شخصی بخوابد و در خواب محتلم شود که خوب در این صورت هم روزه اش باطل نمی شود زیرا آنچه که روزه را باطل می کند جماع و یا استمناء اختیاری و عمدی است که فعل خود انسان می باشد ، و حضرت امام رضوان الله علیه در حاشیه فرموده اند ؛ فیه تأمل بنابراین سه نظریه در اینجا وجود داشت که به عرضتان رسید و مسئله از لحاظ اقوال و آراء مشخص شد .

و اما مطلب سومی که باید عرض کنیم این است که دلیل کسانی (آقای حکیم و سید عبدالاعلی) که می گویند در ایجار روزه اش باطل نیست این است که می گویند آنچه که روزه را باطل می کند اکل و شرب اختیاری می باشد و در اینجا اکل و شرب اختیاری انجام نداده پس مبطلی در بین وجود ندارد فلذا رفتن به آنجا جایز است و روزه اش هم صحیح است و به هم نخورده است فلذا قضا و کفاره هم به گردنش ثابت نیست ، و اما در مقابل اینها آقای خوئی و صاحب مصباح الهدی می فرمایند آنچه که روزه را باطل می کند آن است که طعام و شراب وارد گلو شود که در ایجار هم فرض بر این است که طعام و شراب وارد گلویش شده است فلذا روزه اش باطل است و قضا و کفاره هم به گردنش ثابت می باشد ، بنابراین بحث در این است که آنچه که روزه را باطل می کند چیست ؟ آیا فروبردن (عن عمدٍ و اختیار) آب و غذا است یا اینکه فرو رفتن (بلا عمدٍ و اختیار) آنها ؟ خوب بنده عرض می کنم که حرف آقای حکیم درست است و روزه اش (در فرض

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی
محمد و آله الطاهرین

ایجار) باطل نیست زیرا در روایات ما آمده است که آنچه که روزه را باطل می کند اکل و شرب است که ظهورش در اکل و شرب عمدی و اختیاری می باشد و اما اینکه حضرت امام فرموده اند فیه تأمل ما عرض می کنیم که با بیانی که ما عرض کردیم دیگر شبهه ای نیست در مسئله که جای تأملی باقی بماند فلذا برای بنده مسئله روشن است اگر چه فیه تأمل حضرت امام (ره) هم درست است .

خوب صاحب عروة در ادامه مسئله مطلب دیگری را بیان می کنند و می فرمایند که به مجرد قصد رفتن به آن مکان روزه اش باطل می شود یعنی حتی اگر نرفت هم چونکه قصد رفتن کرده مثل این است که قصد افطار کرده فلذا روزه اش باطل است بنابراین بحث در اینجا برمی گردد به اینکه آیا نیت قطع و قاطع مبطل صوم است یا نه ؟ که این بحث را صاحب عروة در مسئله ۲۲ از فصل اول مطرح کردند و ما هم در مورد آن بحث کردیم و گفتیم که به نظر ما هیچکدام از نیت قطع و قاطع مبطل صوم نیستند زیرا مفطرات صوم منحصرأ در روایات ما ذکر شده اند و هیچ ذکری از قصد و نیت قطع و قاطع در روایات ما نشده است و ما هم تابع روایاتمان هستیم به عبارت دیگر از نظر ما روزه یعنی اجتناب از مفطراتی که در روایاتمان منحصرأ ذکر شده ند ولی از نظر صاحب عروة و تابعین ایشان روزه یعنی قصد و نیت امساک از مفطرات از طلوع فجر تا غروب آفتاب بنابراین بحث برمی گردد به تفسیر و تعریف صوم که همین امر باعث اختلاف نظر در این مسئله و مسائل شبیه به آن شده است.

(مسئله ۷) : إذا نسی فجامع لم یبطل صومه ، وإن تذکر فی الأثناء
وجب المبادرة إلى الإخراج ، وإلا وجب علیه القضاء والکفارة .

اگر فراموش کرد که روزه است و مجامعت کرد روزه اش باطل نیست زیرا مبطلات روزه اگر عمداً و اختیاراً انجام شدند باعث ابطال صوم می شوند و در اینجا فرض بر این است که نسیاناً مرتکب جماع شده است منتهی اگر در اثناء متوجه شد باید رها کند و خودش را کنار بکشد و إلاً وجب علیه القضاء و الکفارة زیرا همانطور که قبلاً عرض کردیم جماع حدوثاً و بقاءً موجب بطلان صوم می شود . . .